

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بحث راجع به تفویت مقدمات عقلیه در صورت  
عدم اقدام مکلف به آن مقدمات، قبل از زمان وجوب  
تکلیف بود.

عرض شد که مرحوم نائینی نسبت به تکالیفی  
که زمان به عنوان جزء العله در آن دخالت دارد (حالا  
یا زمان یا هر چیز دیگر فعلا صحبت راجع به زمان  
است ولی خوب همه قیود و شرایطی را که تکلیف  
معلول وجود آن شرایط و قیود است که از جمله خود  
زمان است مثل شهر رمضان نسبت به صوم یا در  
صلوات خمسه نسبت به مواقیت و همین طور راجع  
به وجوب حج نسبت به استطاعت در اشهر حج در  
این موارد) حکم به وجوب اقدام بر مقدمات عقلیه  
کرده اند زیرا عدم اقدام بر آن مقدمات موجب  
تفویت غرض مولا است.

البته ما نسبت به موارد نقض که از جمله آن ها  
استطاعت است کاری نداریم چون موارد نقض قبلا

ذکر شد و امثله آن آورده شد که از جمله آن مواردی که ما ذکر کردیم نسبت به موارد استطاعت حج که اتفاقاً راجع به این قضیه خیلی بحث می‌کند البته نه الان بعداً راجع به این مساله صحبت می‌کنند.

این مساله استطاعت حج ما را خسته کرده این بحث اصولی حالا انشاءالله در عرض فردا و پس فردا دیگر مساله را تمامش کنیم یعنی راجع به سایر اقوال و این‌ها نپردازیم چون ایشان دیگر همین مرحوم کاظمی با تقریرات خودشان دیگر استیعاب آن نظرات متأخرین را کردند و مطالب را که می‌دیدم به نظر می‌رسد که در این جا اضافه بر این چیزی ندارد حالا در بعضی از کیفیت امثله به خاطر انطباق بر مصادیق فقط گاهی ممکن است یک شبهه و اشکالی باشد ولی طرح و مساله بنا بر همین کیفیت است که خود مرحوم نائینی ذکر کردند.

در مورد اختلافی که نسبت به مصادیق مقدمات تفویضیه است در آن جا استطاعت در زمان حج را شرط می‌دانند برای اقدام بر مسیر الی الحج خب برای افرادی که آن استطاعت در اشهر حج حاصل بشود

ولکن آن زمان مسیر الی الحج اکثر از ثلاثه اشهر باشد چه طور ما می توانیم بگوییم که عدم اقدام بر مسیر قبل از اشهر حج، موجب فوات نمی شود؟ به کجای این اصطلاح قضیه می شود استدلال کرد؟ اگر استطاعت در اشهر حج این موجب حکم عقل به اقدام به مسیر الی الحج است خب این از چهارماه زوتر باید از منزلش حرکت کند و برود به سمت آن جا از اول رجب باید راه بیفتد راه برای اماکنی که در اطراف هستند همین یک ماه و دوماه نیستند، آن هم زمان سابق نه حالا، این زمانی که با دو ساعت یا سه ساعت یا فوقش آمریکا هم باشد با بیست ساعت می آیند این جا آن زمان سابق که شما در آمریکا یک شخصی در آن زمان مسلمان شده و استطاعت برای حج هم لازم است خب این برای اشهر حج بخواهد راه بیفتد اصلا طول دریا را هم طی نکرده است با آن وسایل و کیفیت حرکت آن زمان در بحار و آن بوادی و این ها شاید بشود گفت بیش از شش ماه طول بکشد که فرض کنید از یکی از این بقاع بعیده ارض بخواهد شخص حرکت بکند شما چه طور

استطاعت در زمان حج را موجب حکم عقل بر  
وجوب مسافت در همان بعد تحقق استطاعت  
می‌دانید؟ یا باید بگویید اصلاً برای این فرد  
استطاعت مربوط به زمان حج نیست، که آن چه ما  
در روایات داریم و این‌ها این نیست، آن در زمان  
حج مطرح شده، اگر شما قائل به عدم استطاعت  
مصطلحه و متعارفه در غیر از اشهر حج هستید پس  
بنابراین این شخص هیچ‌گاه در طول عمر موفق به  
انجام حج نخواهد شد زیرا استطاعت قبل از اشهر  
حج که آن استطاعت شرعی نیست استطاعت در  
اشهر حج هم که دیگر موجب حکم عقل برای مسیر  
نیست شش ماه طول می‌کشد بیاید آنجا چه طور  
می‌تواند در عرض دو ماه و ده روز خودش را  
برساند؟ دو ماه چهار ماه هنوز وقت کم می‌آورد پس  
در این صورت این مساله از نقطه نظر استطاعت و این  
ها مساله اصلاً به این مطالب نقض می‌شود و همین  
طور در قضیه استطاعت برای افرادی که از نظر مالی  
و این‌ها به استطاعت دفعی نمی‌رسند که موارد نقض  
زیاد دارد .

در مطالبی که مربوط به مسائل فقهی است آنچه که در اینجا هست این است که وجوب اقدام بر مقدمه بر مبنای مرحوم نائینی قبل از تحقق خارجی ملاک است این موضوع را باید بررسی کرد که چه طور قبل از تحقق ملاک... اتفاقاً عبارتی را که ایشان دارند این است ملاک وجوب نه تنها ملاک برای واجب چون گاهی از اوقات واجب مشروط به زمان خاص است یعنی تحقق واجب خود وجوب مشروط نیست خود وجوب مطلق است واجب فرض کنید اکرم زیدا ليله الخميس اکرام زید امر مطلق ولی این اکرام مقید به چیزی نیست مقید به آمدن زید و صاعقه و وقوع فلان حادثه نیست اکرام زید مطلق است ولکن این وجوب اکرام زمانش زمان ليله الخميس است خود این زمان شرط واجب است نه شرط وجوب ، وجوب ملاکش همان اکرام عالم است اکرم عالما اکرام عالم ملاک است، ملاکش اصلاح ذات البین و تحبیب قلوب است ملاکش فرض کنید ارائه یک مساله در انظار و محل مرآ و منظر اشخاص است، اکرام ملاک های متفاوتی دارد ،

ملاک برای وجوب امر و ولی زمان تحقق واجب امر  
آخر مرحوم نائینی می‌فرماید حتی اگر شیئی ملاک  
برای وجوب باشد چه این که در مورد صلوات  
خمسه زمان را قید برای وجوب می‌دانند، آخر به  
عنوان جزء العله یکی از آن قربان کل تقی یکی از آن  
تنهی عن الفحشاء و المنکر و امثال ذلک یکی این  
وقت خاصی است که در این جا لحاظ شده حتی  
ایشان نسبت به این مساله تصریح دارند شما که  
نسبت به این مساله تصریح دارید که زمان در  
ملاکیت نفس وجوب دخالت دارد، از این نقطه نظر  
قبل از تحقق ملاک که هنوز حکمی نیست به چه  
دلیلی و به چه حکمی عقل حکم به وجوب اقدام بر  
مقدمه می‌کند به جهت حرمت تفویت مصلحت  
ملزومه در وقت وجوب؟ عقل در این جا به چه ملاکی  
می‌تواند؟ وقتی که هنوز علت در علت خودش تام  
نیست وقتی که هنوز این حکم در مقام تنجز، منجز  
نشده وقتی که هنوز مولا اقدام بر امر به مکلف نکرده  
وقتی که می‌گوید هنوز چیز نیامده معنایش این است  
که چی؟ معنایش این است که مولا امر نکرده خب

ما که دیگر یک بام و دو هوا نداریم کوسه و ریش  
پهن، از یک طرف شما می‌گویید این وقت دخالت  
علی دارد در ملاک از یک طرف می‌گویید که عدم  
اقدام بر مقدمات موجب تفویت مصلحت است خب  
ما نفهمیدیم این را قبول کنیم یا آن را؟ اگر در ملاک  
برای وجوب، دخالت علی دارد به عنوان جزء العله،  
پس قبل از تحقق این جزء العله اصلاً حکمی از  
جانب مولا تشریح نشده بر مکلف، به صرف گفتن  
أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَ قُرْآنَ الْفَجْرِ  
إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُوداً ﴿الإسراء، ۷۸﴾ که در  
این جا حکم تشریح نمی‌شود باید در این جا  
جزء العله محقق بشود تا تحقق جزء العله مکلف را  
ملزم کند به اقدام بر مقدمات، مثل این که فرض کنید  
شما می‌دانید یا احتمال می‌دهید که احتمالاً فردا مولا  
می‌خواهد چیزی به شما بگوید حالا شما وقتی که  
می‌خواهید صبح از منزل بیایید بیرون بلند می‌شوید  
می‌روید پیش مولا و می‌گویید آقا شما امری دارید؟  
نه، راهتان را می‌کشید می‌روید خب بخواهد شما را  
می‌بیند آقا بایست فلان کار را دارم اگر نگویید وظیفه  
شما نیست که بروید پیشش و بگویید امروز امر

دارید و یک چنین چیزی شنیدم نه، اگر بخواهد خودش می گوید شما را دارد می بیند ، مگر این که خود مولا قبلا بگوید من فردا با شما کار دارم دیگر نمی توانید صبح در خانه را باز کنید و بزنید بیرون باید بایستی، گفته کار دارم کار را نگفته و شما هم نمی دانی کارش چیست، برو نان و سبزی بخر برو فلان نامه را به فلان کس بده برو پول را به او بده هیچ نگفته همین قدر به شما گفته که من فردا با شما کار دارم همین که می گوید من فردا با شما کار دارم پس بنابراین حکم از ناحیه مولا منجز است منتهی آن تکلیف غیرمنجز است مشخص نیست خب چه اشکال دارد می گوید من بر تو امری را الزام کردم چه امری؟ فعلا فضولی موقوف فردا به تو می گویم این که می گوید فردا می گویم یعنی نگذار در برو معنایش این است یک وقتی امشب می گوید فردا برو چه بکن یک وقتی نمی گوید، مولا خیلی مولا است یعنی دیگر هر کاری بخواهد می کند می گوید من فردا با شما کار دارم چه کاری داری فردا می گویم آقا می شود الان بگویند؟ برو بخواب بچه، این که می گوید باه تو کار



دارم معنایش این است که فردا تو اختیار رفع این تکلیف را به واسطه اخراج از منزل نداری این را مولا می‌خواهد به تو بگوید گاهی اوقات قبلاً می‌گویند که آدم یک آمادگی داشته باشد حواسش جمع باشد و فلان و این حرفها، پس الان مولا امر را کرده و تمام شده و مأموربه چیست؟ من نمی‌دانم امر است و مأموربه نیست و این تخلف امر از مأموربه نیست تخلف امر از مأموربه تخلف امتناعی را که گفتند امتناع در نفس آمر است در نفس آمر بین امر و مأموربه تخلف نیست، ولی در خود آن تحقق خارجی مأموربه، امر انشاء امر نه، می‌گوید من امر می‌کنم به تو که باید یک کاری را که می‌گویم انجام بدهی کی؟ یک ساعت دیگر آن کار چیست؟ یک ساعت دیگر می‌گویم پس این طرف باید همین‌طوری بماند، صبر کند، سلب مقدمات از خودش نکند، به اموری که موجب تفویت آن مأموربه است اقدام نکند هیچ کار نباید بکند و صاف بنشیند تا ببیند که این مولا در ساعت فلان به او چه امر می‌کند.

حالا جناب نائینی شما که می فرمائید و تصریح هم می کنید که وقت به عنوان جزء العله دخالت در نفس ملاک وجوب دارد قبل از تحقق جزء العله که اصلا امری وجود ندارد چه امری وجود دارد؟ صحبت در الزام نیست که الزام در این جا به اصطلاح هست اگر صحبت در الزام بود آن وقت دیگر ایشان نمی توانست بگویند وقت دخالت در امر دارد، می گفتند وقت ظرف برای واجب است، ملاک برای وجوب در این جا نیست وجوب الان آمده الان که ساعت نه است وجوب برای صلاه ظهر آمده منتهی وقت او چه موقع است؟ مثل این که اکرم زیدا ولی کی؟ ليله الخميس، حکم اکرام از الان آمده دیگر شخص نمی تواند فرار کند بگوید که من ارتباط و نسبت من از امروز که روز دوشنبه است نسبت من و تعهد من نسبت به مولا با روز یکشنبه که این حکم را نداشت فرقی نکرده خب خیلی فرق کرده روز یکشنبه حکمی اصلا نبود الان حکم هست، زمان اجرای حکم و زمان تنفیذ و ایجاد کی است؟ زمانش ليله الخميس است حکم الان است زمان اقدام

لیله‌الخمیس است انشاء الان است مأموربه وقتش  
کی است؟ حکم ایجاب برای اکرام الان است اما  
ظرف برای او همان طوری که ممکن است ظرف  
برای او امر انشائیه حال باشد همین طور ممکن است  
یک ساعت بعد باشد همین طور ممکن است ظهر  
باشد شب باشد لیل‌الخمیس باشد تا سال دیگر باشد  
فرق نمی‌کند آن دیگر بسته به آن کیفیت مأموربه  
است، نه بسته به انشاء، انشاء تفاوت ندارد.

پس بنابراین اگر شما قائل به این هستید که عقل  
حکم می‌کند بر وجوب اقدام بر مقدمه، لأن لا یفوت  
الغرض والمأموربه این عقل در صورتی حکم می‌کند  
که از نقطه نظر او مقدمات برای تمامیت ملاک تامّ  
باشد یعنی شرایط و قیود برای تمامیت ملاک وقتی  
تامّ بود و علت در مقام تأثیر و علیت به مرحله تامّ  
رسید آن گاه عقل حکم می‌کند که باید اقدام بر  
مقدمات بکنید، لأن لا یفوت الغرض اما اگر تا وقتی  
این شرایط علیت تام نباشد هنوز حکمی وانشائی  
نیست هنوز چیزی نیست تا این مساله در این جا  
انجام بشود.

برای این که این اکرام محقق بشود چند ملاک لازم است هرکدام از این ملاک‌ها محتمل‌الوجود است و در صورتی که هنوز مولا امری نکرده و این موارد و ملاک‌های برای علیت تنجز امر مولا در خارج حاصل نشده، عقل به چه ملاکی حکم به اقدام بر مقدمات می‌کند؟ خب آن که نمی‌تواند از خودش بیاید بگوید این الان در این جا از ناحیه مولا انشاء و حکم تمام است و دیگر تخلف راه ندارد.

این اشکال منطقی نسبت به اصل طرح مقدمات مفوته است یعنی تفویت، اشکالی که در این جا هست که چرا قبل از حلول زمان و جوب عقل حکم به حفظ ماء و مسیر الی الحج و امثال ذلک می‌کند قبل از این از کجا این مقدمات باید حاصل بشود؟ این اشکال به این قضیه و مساله برمی‌گردد حالا ما کاری به مسائل نقض و این‌ها نداریم فعلا اشکال حلی و فنی نسبت به این مساله است.

حالا صرف‌نظر از این اشکال، مرحوم نائینی نسبت به مقدمات می‌فرمایند دو نوع مقدمات داریم یک مقدمات عقلیه داریم یکی هم بحث را می‌برند

در قدرت می‌فرمایند که قدرت دو جور است یا  
قدرت عقلیه است.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ